

هدف جنایات فجیع بمبگذاران مزدور آمریکا چیست ؟

در آستانه سالگرد هفدهم شهریور ، روز پرشکوه پایداری و ایثار مردم ما در برابر آمریکا و رژیم وابسته شاه ، گسروهی از هم میپیمان زحمتکش در نتیجه انفجار بمبی که مزدوران آمریکا کار گذاشته بودند کشته و زخمی شدند . این حادثه نشانه دیگری از اعلام جنگ زیوانانه و جنون آمای ضدانقلاب به مردم کوچه و بازار است . روشن است که از مزدوران آمریکا نمی توان انتظار داشت مردم کشتی نکنند ، در گذرگاه مردم بمب نگذارند ، با رعایت جان کودکان و حرمت زنان را بکنند . اگر اینها بمب های چندین کیلویی زیر پای مردم منجر می گنند ، سرکرده آنها آمریکا ، بمبهای چندین تنی تانک و خوشهای و فسفوری و خلاء و اگر دستش برسد بمب اتمی و نوترونی بر سر مردم می ریزد . وقتی امپریالیسم آمریکا انفجار بمب اتمی در هیروشیما و ناگازاکی را از فضایل سرمایه داری پیشرفته نهرقی می کند و معتقد است که به خاطر " صلح " مردم هیروشیما و ناگازاکی ، ویتنام ، کره و غیره را قتل عام کرده است ، پس چرا به مزدوران خود دستور ندهد که با بمب های چند کیلویی به جان مردم کوچه و بازار بیاقتند ؟

مادام که انقلاب ما زنده است و پیش می رود انواع توطئه های امپریالیسم و مزدوران آن ادامه می یابد . حتی انقلاب هایی که دهها سال از پیروزی آنها می گذرد نیز هرگز از توطئه های گوناگون و گاه بسیار خطرناک امپریالیسم فارغ نیستند . این مردم ما ، انقلاب ما و مسئولین جمهوری اسلامی ایران هستند که باید با شناخت درست انگیزه ها و اشکال این توطئه راههای درست درم شکستن و خنثی کردن آنها را بیابند و بکار بگیرند .

توطئه ترور و تخریب و بمب گذاری که توسط مزدوران آمریکا انجام می شود هدف های چند جانبه ای را دنبال می کند :

ایجاد و گسترش ناامنی در کشور ، تحمیل سو خشونت و وارد کردن جمهوری اسلامی ایران به تکیه بر زور و خشونت و شرکت در اجرای نقشه ایجاد و گسترش ناامنی . جلوگیری از برقراری آرامش متکی بر قانون در جامعه ، مشغول کردن جمهوری اسلامی به درگیری های به اصطلاح فرساینده و جلوگیری از انجام اصلاحات اقتصادی - اجتماعی به سود مردم ، فرسایش روحیه مردم و بیخاک کردن آنها از آینده و از جمهوری اسلامی ، و سرانجام بیرون راندن مردم از

صحنه و قطع حمایت آنها از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران . برای ضدانقلاب
بسرکردگی آمریکا عملی شدن هر یک از این هدفها گامی است در راه عملی کردن
هدف نهایی آن که نابودی انقلاب با همه دستاوردهای آن است . بدیهی
است که انقلاب مانع از ضدانقلاب است که حلوی اقدامات ضدانقلاب قاطعانه گرفته
شود و باند های مزدوری که در عین حال به دلیل زبونی مردم کوچک و بازار را
آماج حمایت خود قرار داده اند سرکوب و متلاشی شوند . اما باید توجه داشت
که سرود اصلی با توطئه های امپریالیسم و ضدانقلاب در آن میدانی نیست که
تروریست ها و خرابکاران و بمبگذاران نشان می دهند . اگر درست است که اعمال
تروریستی و خرابکارانه جنبه متحد ضدانقلاب . مادام که مردم در صحنه و
فعالانه علیه آنها هستند نمی تواند انقلاب ما را از حرکت بازدارد . پس بطور
اولی بسیج مردم در صحنه و تحکیم پیوند آنان با انقلاب شرط اصلی قلمه بر
همه این توطئه های ضدانقلابی است . هیچ انقلاب برخوردار از حمایت توده های
هرگز با اقدامات حقیرانه تروریستی از حرکت باز نمی ماند . اما باید توجه داشت
که ضدانقلاب نیز خود به این امر واقف است و می داند که با ترور و کشتار ده
صد یا هزار تن از مردم نمی تواند به هدف های خود برسد . ضدانقلاب از توسل
به این اقدامات نتایج دیگری می خواهد بگیرد که مهمتر از همه آنها جلوگیری از
پاسخگویی به خواست های مردم و بیرون راندن مردم از صحنه است . انجام
اصلاحات بنیادین انقلابی و برآوردن خواست های میلیونها زحمتکش محروم هم
آماج اساسی انقلاب است و هم راه اصلی دفاع پیروزندانه آن .
خط امام باید آگاهانه و هوشیارانه جریان مخالف راستگرا را که سد راه انجام
اصلاحات مردمی است قاطعانه افشاء و طرد کند . نیاز انقلاب ما این است که
جمهوری اسلامی ایران با برقرار کردن آرامش متکی به قانون و عدالت اجتماعی
با جلوگیری هوشیارانه از گسترش جو خشونت . با نشان دادن آشکار و عملی
همه قسمت های انقلاب هدف توطئه های جنبه متحد ضدانقلاب بسرکردگی
آمریکا را که مست کردن پایگاه اجتماعی انقلاب و برآکنده ساختن توده های
دهها میلیون مردم از پیرامون خط امام است . عقیم بگذارد و آنها را درهم
پشکند . ما باید همه توطئه های ضدانقلاب بسرکردگی آمریکا علیه انقلاب و
جمهوری اسلامی ایران را نه در آن میدانی که دشمنان تعیین می کنند بلکه در
آن میدانی که انقلاب و مردم ما تعیین می کنند . در میدان انجام اصلاحات
بنیادین اقتصادی - اجتماعی با پاسخگویی به نیازهای توده های میلیونها
مردم پشکسیم .

فرمایشی، ادامه پیدا بکنند. به اینکه هدف اصلی امریگادرن منطقه با انقلاب ایران است. دارای اهمیت بزرگی است. زیرا با شناخت صحیح برنامه های دشمنان در این است که می توان آنها را شناسایی کرده، شناخت برنامه های دشمن و طبقه ضروری برای پیدا کردن راه حل های صحیح مقیم کردن و به شکست کشاندن آنها است.

البته امریگا و اذنیاش نیز از جنگ تحمیلی، برنامه های مختلف دیگری نیز برای فرمایشی و شکستن انقلاب ایران دارد که بوضع اجرا گذارده است. از جمله بوسیله "توربین سیاسی" از جمله بوسیله "توربین اقتصادی" و از جمله "بویزه" به وسیله "توربین اقتصادی". بطور کلی بگفته آقای خامنه ای در مشهد: "وقتی به مشکلات خود می نگریم، دست پنهان امریگا و هم پیمانان و مزدورانش را به وضوح می بینیم."

(۱۸)

همه صف بندی ها در جامعه باید به صف بندی انقلاب و ضد انقلاب تبدیل شود.

پس دشمن اصلی ما، انقلاب ما، کشور ما، خلق ما، امریکای جنایتکار است که رئیس جمهور، خامنه ای او را "وحشی ترین حکومت جهان" نامید و مبارزه با او را "مبارزه همیشگی" دانسته است. هدف اصلی این دشمن تجاوزگر، غارتگر، خدشگر در منطقه ما ایران، انقلاب ضد امریکایی و مردمی ایران است که به رهبری امام خمینی پیروز شده و پایگاه اصلی ما به گفته آقای رفسنجانی، خلق اصلی منطقه امریکاییسم بسرکردگی امریگا در منطقه را به پایگاه مبارزه بر ضد امریکاییسم و اذنیاش بدل کرده است. این وحشی ترین حاکمات جهان برای شکستن انقلاب ایران همه وسائل و امکانات خود را بکار گرفته است. دست خونریز و ویرانگر نظامی او از آستین صدام بدرآمده، توربین سیاسی را بکار گرفته، توربین اقتصادی را به خدمت گرفته، توربین اداری را مورد بهره برداری قرار داده است. کشمیری های طبیعانی، کلاهی های اداری، قطب زاده های سیاسی را هرجا توانست جایزای کرده است. آن مقدسی های سیاسی را که هر حرف و هر اقدام بسوی احقاق حقوق مستضعفان را "کمونیستی" می نامند و فریاد "والسلام" سر می دهند، آن روشنفکرانی که همه جا گرافیکی می کشند، آن "انجمن های" که به نام اسلام خط بطلان بر حاکمات می کشند، آن تاراجی ترانه های که دافنا و به هزار وسیله و بهانه مردم را مایوس و از انقلاب دلزده می کنند، همه مستقیم و غیر مستقیم، دانسته یا ندانسته، به عنوان دشمن دانا و با دوست نادان، عملاً به سود او کار می کنند. بدینسان مبارزه ای که در برابر انقلاب برای رسیدن به پیروزی های نهایی قرار دارد، مبارزه ای است فرخج، دراز مدت، همه جانبه برای کسب پیروزی در این مبارزه آشکار است که اقدام نخستین، یعنی ایجاد محدودیت برای فعالیت لبرالها بسود انقلاب، منع فعالیت گروهکهای امریکازده ضد انقلابی بسود انقلاب است. در صورتی که ایجاد محدودیت و اعمال فشار بر نیروهای که نظیر حزب توده ایران و سازمان ما، با تمام نیروی خود از انقلاب پشتیبانی می کنند بزمان انقلاب است. مگر طرد نیروهای انقلابی از جبهه انقلاب به زبان انقلاب نیست؟ این سیاست، موازنه منفی، نسبت به احزاب، به نظر می رسد، به وسیله فشار شتابان نیروهای ضد انقلابی و نیز فشار نیروهای قشری انحصارگر بر نیروهای "خط امامی" در حاکمیت تحصیل شده است که شامل آن، نگاره گناه ضد انقلابیون را بر گردن انقلابیون "دگراندیش" نهادن است که بدیهی است به آن را می توان عادلانه دانست و نه به سود انقلاب.

در هر حال ما انتظار داریم همانطور که جهت الاسلام رفسنجانی مجدداً تأیید و اعلام کردند، قانون اساسی در مورد احزاب طرفدار و پشتیبان انقلاب قطع نظر از جهان بینی و مسلک و مذهب و اعتقادات آنها، هر چه رودتر به موقع اجراء گذارده شود. تمام امکانات قانونی برای فعالیت آزاد حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به آنها باز پس داده شود که این خود یک گام جدی میلی در تحقق این سخن انقلابی رئیس جمهور خواهد بود که: "همه صف بندی ها در جامعه باید به صف بندی انقلاب و ضد انقلاب تبدیل شود و ما هر صف بندی دیگری را مردود می دانیم"

(۱۸)

توربین اقتصادی

جهت الاسلام رفسنجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی و امام جمعه وقت تهران در نخستین خطبه نماز جمعه، رشته سخنرانیهای خود را درباره "عدالت اجتماعی" ادامه داد که هدف نهایی آن "ایجاد جامعه عالی از مستغبر و مستغف است."

جهت الاسلام رفسنجانی گفت که در اسلام "تحصیل ثروت از طریق کسب و تجارت و مبادله محدود است و جلوگیری از انباشته شدن ثروت در دنیای سرمایه داری وجود دارد، در اسلام گرفته شده" او یادآوری کرد که احتکار و انحصار همیشه وسیله دوقطبی شدن جامعیت کف مدعیان را بدون حساب فرود آمدن می کند و عدما را ضعیف و محروم و این "بدترین تجاوز به حقوق مردم محروم و مصرف کننده" است. او توضیح داد که این توربینهای اقتصادی می کشند و چگونه عمل می کنند "چنی از خارج وارد می کنند ولی در اینها می گذارند، با این ملت در اینها می گذارند و با دلایح و بازار سیاه و دست فروش ها در خیابانها به صورت های مختلف، این مردم بیچاره و بازار می پوشند، کارخانه در این مملکت دارد، با امنیت که این مردم داده اند، گزافه کاری می کند، اما چنی که بیرون می آید، اگر دولت کاری نداشته

باشد، از کارخانه که بیرون می آید به ده برابر قیمت مبادله می خواهند به مردم مقلب کند که داریم می بینید، چه دارند می کنند و همه این جنایات اقتصادی که در این مملکت می شود که حالا من فعلاً "شبه های آنرا نمی خواهم بگویم."

بدینسان آقای رفسنجانی توجه دارد که توربین اقتصادی هم در عرصه بازگانی خارجی هم در عرصه بازگانی داخلی، هم در عرصه تولید بوسیله آن کارخانه داری که تولید آیاده برابر قیمت قابل می کند. اجرا می شود. اگر از این توربین اقتصادی و از این جنایات اقتصادی جلوگیری بعمل نیاید، اکنون دیگر آشکار است که انقلاب در معرض خطر جدی قرار خواهد گرفت و آقای رفسنجانی برای جلوگیری از آن سه وسیله ارائه داد. اول ارشاد، دوم قانون گذاری و اجرای قوانین و سوم کفیر. به نظر ما ارشاد و نصیحت مؤثر نیست و نخواهد بود باین دلیل که "تکثیر" ناشی از طمعت سرمایه داری است و تا جامعه "دوقطبی" است، طب کلان سرمایه دار و بزرگ مالکی که در اقلیتند، طب زمینگان و مستضعفان را که اکثریت جامعه را تشکیل می دهند، خواهد چابید و تجربه این سه سال و نیم که از پیروزی انقلاب می گذرد نیز نشان داده است که هر قدر به این راههای اجتماعی نصیحت شود، آنها لطمه ای از کمیدن خون مردم محروم باز نمی آید. کفیر نیز، تأثیر محدود دارد و باز تجربه همین سه سال و نیم نشان می دهد که اگر مستحکم جرمه شود، زندانی شود، با تازیه مجازات شود، حتی خود او - چه رسد به مستضعفان - از چهارم مردم دست برتنی دارد. ولی قانون گذاری و اجرای قانون، در عوض آن اثر می است که با آن می توان جامعه را از شر "جنایات اقتصادی" رها کرد و رها کرد. انقلاب را از خطر "توربین اقتصادی" رها کنید، این پایگاه اقتصادی - اجتماعی، ضد انقلابی را که "جهش را آغاز کرده" تصرف کرد و بسوی اجرای عدالت اجتماعی در عرصه اقتصادی به پیش رفت. همانطور که آقای رفسنجانی توضیح دادند: "برها مال دولت جمهوری اسلامی است، از مال دولت جمهوری اسلامی، نظام حاکم و حقوق این ملت را دولت جمهوری اسلامی موظف است انجام بدهد، قانون اساسی حق کنترل تجارت را داده، قانون اساسی، تجارت را به دولت داده است و بکارگرفتن این "جریمه" است که می تواند از جنایات اقتصادی جلوگیری کند. قوانین جلوگیری از تکثیر را همانطور که آقای رفسنجانی اشاره کردند باید طبق نص صریح قانون اساسی در مورد مالکیت، در مورد سه بخش دولتی و تعاونی و خصوصی، که خصوصی مکتل دو بخش دولتی و تعاونی است. در مورد دولتی بودن بازگانی خارجی، در مورد کنترل بازگانی داخلی، در مورد اصلاحات بنیادین ارضی یعنی تقسیم ارضی نیروی به زمینگان و مستضعفان روستا، در مورد همه دیگر حقوقی که به دولت تعلقی می گردد. از جمله قیمت گذاری، تعیین و اجراء کرد و آنگاه اگر کسی قانون شکنی کرد، تخلف کرد، با جبهه و تزهیر مرصود "بهرودن" قانون برآمد، او را بسختی کفیر داد. زیرا در انصورت به گفته آقای رفسنجانی این دیگر قوانین کفیری است که "برای مستحکم، برای رها کردن برای حرام خواهر برای درد، برای قار باز، برای گزافه کاری، و غیره" که در یک ردیفند، اجرا می شود.

(۱۸)

توربین اداری

در هفته گذشته هم خبر رهنمودهای امام خطب به هیئت دولت و هم خبر خطبه اول نماز جمعه به آنچه که جهت الاسلام رفسنجانی آن را "توربین اداری" نامید توجه جدی شد. امام رهنمود دادند که "هر کسی در هر وزارتخانه هست باید گوشش کند که اجراء، آن وزارتخانه، افرادی که در آن وزارتخانه هست، وضع روحی اش طوری باشد که با مردم بسازد، به مردم خدمت کند، به نظر این سرو و پا برهنه" برسد. این "افراد اگر چنانچه خطای خواسته ضحرفند، این افراد منفری را نصیحت کنیم، اگر نمی شود، عفو می کنند ..."

جهت الاسلام رفسنجانی نیز به توصیف این افراد منحرف پرداخت، آنهایی که باعث می شوند برآهه کنندگان "عاقوبت می آیدند و ناراضی می گردند، نماز ظهر را بجا نمی آورند و از نیم ساعت به ظهر دیگر کار مردم را انجام نمی دهند و بعد از نماز هم دیگر به پشت میزشان نمی چسبند. آقای رفسنجانی زمانی را که این توربینهای اداری به انقلاب می رسانند با عمل توربینهای سیاسی و اقتصادی مقایسه کرد و گفت: "آن توربینهای سیاسی و آن توربینهای اقتصادی با این توربینهای اداری هیچ فرقی نمی کنند ولی این توربینهای اداری، عمدتاً از قماش همان "آقایانی" هستند که به گفته امام "گزارش دهند و اشغال تراشی می کنند ... هیچ کاری برای این جمهوری اسلامی از اولش تا حالا نگردانند، گزارش نمی دهند (اما) کار نگردند، آن روشنفکران آشپزی و آن مرتجعین به اصطلاح آن چوری، به مغز خوب بعضی از آنها را که ما می دانیم یک قدم برای نیست برندانند، مخالفت هم با آن داشتند، نصیحت هم ما را کردند که اول کنید، نمی شود، بگذارند، بگذارند شاه باشد"

این توربینهای اداری عمدتاً از این قماشند، از قماش "پشیمانها" هستند از نوع آنهایی هستند که "سه سه بار به بار" از انقلاب پشیمان شدند، از نوع کسانی هستند که امید به همان توربینهای اقتصادی بستند و با توربینهای اقتصادی پیوند دارند، بخش خصوصی را آب حیات می دانند، این دعوی را مرتب تکرار می کنند که دولت تاجر خوبی نیست، دولت کارفرمای خوبی نیست، تجارت و تولید باید به سرمایه حلال

و اگذار شود تا همه چیز سر جای اولش منتهی زیر نام اسلام (از نوع آمریکایی)
قرار گیرد ، و در عمل به " بخش خصوصی " کمک می کند و در بخش دولتی
گزرشکنی می کند تا صحت " تئوری " خود را اثبات کرده باشند . بی جهت
نیست که محبت الاسلام رفسنجانی فریاد می زند " من به گارمندان و گارگزان
دولت اخطار می کنم ، در جمهوری اسلامی ایران قابل قبول نیست که موسسات
بخش خصوصی از موسسات دولتی فعال تر باشند ، برعکس باید باشد ، یعنی
آن روزی که یک انسانی در تجارتخانه خصوصی اش و در کارخانه خودش ، بهتر
از تجارتخانه دولت و اداره دولت و کارخانه دولت کار بکند ، این مسلمان
نیست مسلمان حاضر نمی شود متافع یک سازمان شخصی را مقدم بخارد بر متافع
همه مردم "

پس اگر درست است که تروریست های اداری با تروریست های اقتصادی
پیوند متقابل دارند ، اولی به دومی کمک می کند و دومی اولی را در ادارات
حساسی می کند و به خدمت می گیرد ، آنگاه برای از بین بردن تروریسم اداری
باید تروریسم اقتصادی را از بین برد و بدین سان تروریسم اداری را بی هدف
نمود . اخراج این و آن از ادارات نگار تروریسم اداری را بکسر نمی کند . پایگاه
تروریسم اداری ، تروریسم اقتصادی است و با بکسر کردن کار تروریسم اقتصادی
است که می توان تروریسم اداری را به عنوان " خدمت گزار " تروریسم اقتصادی
از بین برد . کسانی که در دستگاه های دولتی و در نهادهای جمهوری از بخش
خصوصی " دفاع " می کنند ، در کار دولت در جهت خدمت به " مستضعفین
و " محرومان " اغلال و خرابکاری می کنند ، مخالف تعویب و احرای قوانینی
هستند که اصلاحات بنیادین به سود توده های ده ها میلیون زحمتکشان شهروست
را ممکن می گرداند ، اینها چه خود بدانند و چه خود ندانند ، نماینده
و سفنگروی اشراف و اعیان ، مرفه ها و صاحب اموال هستند اینها به مردمی که
انقلاب کرده اند و از اغلاب با فداکاری های عظیم پاسداری می کنند تعلق
ندارند سخن امام را در همین مقطع باید استنباط کرد که گفت :
" وقتی بنا باشد که متصدی امور یک کشوری قشر اشراف به اصطلاح خودشان
اعیان ، مرفه ها و صاحب اموال و نمی دانم ، پارک اتوموبیل ها و غذا و غذا
با آن وقت گالاسکها و آن حرفه ها باشد ، این یکی از مصیبت های بزرگی است
که در یک ملت هست . سرچشمه همه مصیبت هایی که ملت ها می کشند ، این
است که متصدیان امورشان از قشر مرفه و از اشراف و اعیان به اصطلاح خودشان
از آنها باشد ... و قابل اجتناب نیست این ، وقتی حکومت آنطور شد ، دیگر
نمی شود این را کسی خیال کند که قابل این است که این با مردم جمهور باشد
از آن در با دولت های خارجی جمهور باشد "

همانطور که رئیس‌جمهور در مشهد تأکید کرد: "باید صف‌بندی میان حق و باطل را درست تشخیص داده آن را خوب بشناسیم".
 رئیس‌جمهور در مشهد اعلام کرد: "همه صف‌بندی‌ها در جامعه باید به صف‌بندی انقلاب و ضدانقلاب تبدیل شود. ما هر صف‌بندی دیگری را مردود می‌دانیم".
 اگر اینطور نباشد در مبارزه، ناکامی بزرگی بهار خواهد آمد زیرا وقتی که به مشکلات خود می‌نگریم دست پنهان آمریکا و هم‌پیمانان مزدوران‌ش را به وضوح می‌بینیم.

اگر در عمل صف‌بندی‌ها در جامعه، به صف‌بندی انقلاب و ضدانقلاب تبدیل شود، دیگر "ضابطه" و ملاک انقلابی بودن ریش و تسبیح و ظاهر بسته اسلام‌پناهی نخواهد بود که اکنون به کمک آن فرصت‌طلبان به گفته آقای موسوی خوئینی‌ها خود را "انقلابی" جا می‌زنند و به وسیله آن "بدترین آدم‌ها" می‌توانند بهترین موقعیت‌ها را بگیرند. دیگر عمل "ضابطه" و ملاک تشخیص انقلابی بودن و با ضدانقلابی بودن قرار خواهد گرفت. همه افراد، شخصیت‌ها، سازمان‌ها، احزاب، قطع نظر از مسلک آنها، مذهب آنها، اعتقادات فلسفی آنها، تفاوت در نظرات اجتماعی آنها، هرکس دشمن اصلی را امریالیسم سرکردگی آمریکا می‌داند و علیه آمریکا و اذنباش مبارزه می‌کند، هرکس خط مردمی انقلاب را قبول دارد، طرفدار عدالت اجتماعی به خود مستضعفان و محرومان جامعه است، هرکس خواستار "ایجاد جاه‌های خالی از مستکبر و مستضعف است" انقلابی تشخیص داده خواهد شد و در نتیجه جبهه‌های از تمام نیروهای انقلابی، جبهه متحد انقلاب، جبهه متحد خلق انقلابی در برابر جبهه متحد ضدانقلاب بوجود خواهد آمد. دیگر نیروهای انقلابی و ضدانقلابی "قاطی" نخواهند ماند. دیگر صف‌بندی در جامعه به صف‌بندی انقلاب و ضدانقلاب تبدیل خواهد شد و با این صف‌بندی - جبهه چپ در جای خود قرار خواهد گرفت.

در سیاست خارجی، دیگر "خط اصلی" مشخص و روشن خواهد شد ما با هر کشوری قطع نظر از ساختار و نظام اقتصادی و اجتماعی آن، اهم از سوسیالیستی و یا غیرسوسیالیستی که با امریالیسم و اذنباش سرکردگی آمریکا مبارزه می‌کند و درگیر مبارزه است، همکاری رزمنده بر سنای حفظ و تحکیم استقلال خواهیم داشت. دیگر کسی امکان نخواهد داشت شوروی، این توانمندترین قدرت ضدامریالیست جهان و این "متحد طبیعی" همسایه را دشمن معرفی کند تا آمریکا "ضعی" شود. دیگر کسی امکان نخواهد یافت تا ترکیه... این متحد آمریکا در ناتو و این یارین ضدانقلابیون "ایرانی" را که "پنجره" بازگشت آمریکا است، دوست بنمایاند در آن صورت ما خواهیم

توانست جمهوری اسلامی ایران را در سای شایسته خود ، در جبهه جهانی ضدامپریالیستی قرار دهیم و از این موضع ، با قدرتی صدچندان ، به نبرد پیروزندانه با آمریکا و اذناش ادامه دهیم .

دره سیاست داخلی نیز ، چنانچه در عمل صفبندی در جامعه به صفبندی انقلاب و ضدانقلاب تبدیل شود و هرگونه صفبندی دیگری مردود گردد . آنگاه دیگر " دگراندیشان " انقلابی در معرض فشار قرار نخواهند گرفت . احزاب و سازمانهایی نظیر حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) که تا پای جان برای پیروزی انقلاب ایستادند و ساززه می کنند ، در معرض اتهامات و تهمت های " سیا " و " ساواک " ساخته ، قرار نخواهند گرفت . این امکان از ضدانقلاب گرفته خواهد شد که هر مسلمان مبارز طرفدار مستضعفان را با حرب اتهام " توده ای " خلع سلاح کند ، راستی ها از ناراستی ها جدا خواهد شد ، همکاری نیروهای انقلابی صدچندان تقویت خواهد گردید ،

نیروهای ضدانقلابی در هر پوششی شناخته و منفرد و مضمحل خواهند شد . حاکم انقلابی بودن ، ساززه با امپریالیسم آمریکا ، همپیمانان و مزدورانش است . ساززه در راه احقاق حقوق حقه ولی فقیه شده رحمتگشان و مستضعفان و محرومان است . ساززه در راه استقلال تام و تمام و همه جانبه کشور ، در راه برقراری عدالت اجتماعی ، در راه برقراری آزادی های سیاسی و اجتماعی مطرح در قانون اساسی است . هرکس در این " خط " حرکت می کند و حرکت کند ، انقلابی است اگرچه دگراندیش باشد ، هرکس در عکس جهت این " خط " حرکت می کند و با حرکت کند در مسیر این خط سنگ بهاندازد ، کارشکنی کند ،

به ترور سیاسی و ترور اقتصادی و ترور اداری دست بزند ، ضدانقلابی است . اگرچه مهر داغ بر پیشانی نهاده باشد تا خود را مسلمان دوآتشه معرفی کند . سخن رئیس جمهور که در مشهد موگدا " اعلام کرد که " همه صفبندی ها در جامعه باید به صفبندی انقلاب و ضدانقلاب تبدیل شود و ما هر صفبندی دیگری را مردود می دانیم " سخنی است انقلابی ، گره گشا ، امیدبخش ، نفی انقلاب . این سخن در قالب های دیگری در خطبه نماز جمعه حجت الاسلام رفسنجانی نیز منعکس بود . آنجا که توضیح داد مخالفان انقلاب با " فریاد " و " اسلاما " مخالفت می کنند ، آنجا که توضیح داد که احلال گران در ادارات به بهانه نماز ظهر به کار مردم رسیدگی نمی کنند و ناراضی می تراشند و سر آنجا که اعلام کرد:

" طبق قانون اساسی ما احزاب متعدد را تحمل می کنیم و آزادی ها را در حد مطلوب می دهیم و در حدود قانون همه می توانند حرکت کنند " . این سخن

حجت الاسلام رفسنجانی تا حدی است به اینکه " خط امام " در مورد آزادی فعالیت احزاب سیاسی " غیرمعارض " احزاب سیاسی " دگراندیش " طرفدار انقلاب بابرجاست ، که اعلامیه ۱۵ ماده ای معروف بابرجاست ، که قانون اساسی در مورد آزادی فعالیت احزاب باید اجرا شود و اجرا خواهد شد . مادام که چنین است ، پس سب ایجاد محدودیت و حتی اعمال فشار بر حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) چیست ؟ آقای رفسنجانی این سب را چسب توضیح دادند که نیروها و سازمانهای ضدانقلابی در کشور از آزادی ها سوءاستفاده کردند ، هرج و مرج بوجود آوردند ، دست به اعمال تروریستی زدند و لذا ناگزیر لازم آمد فعالیت احزاب سیاسی متوقف با محدود شود . به نظر ما این توضیح قانع کننده نیست ، در این تردیدی نیست که هرج و مرج با آزادی قانونی فعالیت احزاب فرق اساسی دارد ، هرج و مرج را نمی توان و نباید تحمل کرد . ایجاد هرج و مرج کار ضدانقلاب و به سود ضدانقلاب است . در این تردیدی نیست که احزابی که مخالف انقلابند ، با محتوا و اهداف ضدامپریالیستی و مردمی انقلاب ، با استقلال و آزادی و عدالت اجتماعی مخالفت ، محدود و حتی ممنوع شوند . در این تردیدی نیست که نمی توان و نباید سازمانهای " معارب " را تحمل کرد و باید دست تروریستی آنها را شکست و امکان فعالیت سیاسی ضدانقلابی را از آنها گرفت . ولی لزوم جلوگیری از هرج و مرج ، از فعالیت ضدانقلابی نمی تواند ایجاد محدودیت و اعمال فشار را بر احزاب و سازمانهای طرفدار انقلاب توجه کند . حقیقت این است که در عمل ، نوعی سیاست " موازنه صافی " نسبت به احزاب اجرا شده است با این منطق که چون ایجاد محدودیت برای رهبران لیبرالها لازم آمده ، پس باید فعالیت حزب توده ایران نیز محدود شود ، که چون فلان گروهک مائوئیستی امریکازده به عمل ضدانقلابی دست زده ، پس باید سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) نیز زیر فشار قرار گیرد .

همه صفبندی ها در جامعه باید به صفبندی انقلاب و ضدانقلاب تبدیل شود .

پس دشمن اصلی ما ، انقلاب ما ، کشور ما ، خلق ما ، امریکای جنایتکار است که رئیس جمهور ، خائنه های او را " وحشی ترین حکومت جهان " نامید و ساززه با او را " ساززه همیشگی " دانسته است . هدف اصلی این دشمن تجاوزگر ، غارتگر ، خدعه گر در منطقه ما ایران ، انقلاب ضدامپریالیستی و مردمی ایران است که به رهبری امام خمینی پیروز شده و پایگاه اصلی ما به گفته آقای رفسنجانی " ضلع اصلی " سلطه امپریالیسم بسرکردگی امریکا در منطقه را به پایگاه ساززه بر ضدامپریالیسم و اذناش بدل کرده است . این " وحشی ترین حکومت جهان " برای شکستن انقلاب ایران همه وسائل و امکانات خود را بکار گرفته است . دست خونریز و ویرانگر نظامی او از آستین صدام بدرآمده ، تروریسم سیاسی را بکار گرفته ، تروریسم اقتصادی را به خدمت گرفته ، تروریسم اداری را مورد بهره برداری قرار داده است . کشمیری های مطبوعاتی کلاهی های اداری ، قطب زاده های سیاسی را هرجاتوانسته جامازی کرده است . آن " مقدس ما بهایی " را که هر حرف و هر اقدام بسوی احقاق حقوق مستضعفان را " کمونیستی " می نامند و فریاد " و اسلاما " سر می دهند ، آن " روشنفکرانی " که همه جا کارشکنی می کنند ، آن " انجمن های " که به نام اسلام خط بطلان بر انقلاب می کشند ، آن ناراضی تراشانی که دائما و به هزار وسیله و بهانه مردم

را مایوس و از انقلاب دلزده می‌کنند . همه مستقیم و غیرمستقیم ، دانسته یا ندانسته ، به عنوان دشمن دانا و با دوست نادان ، عملاً به سود او کار می‌کنند . بدینسان مبارزه‌ای که در برابر انقلاب برای رسیدن به پیروزی‌های نهایی قرار دارد ، مبارزه‌ای است بفرخ ، درازمدت همه‌جانبه برای کسب پیروزی در این مبارزه آشکار است که اقدام نخستین ، یعنی ایجاد محدودیت برای فعالیت لبرالها بسود انقلاب ، منع فعالیت گروهکهای امریکازده ضدانقلابی به سود انقلاب است . در صورتی که ایجاد محدودیت و اعمال فشار بر نیروهایی که نظیر حزب توده ایران و سازمان ما ، با نظام نیروی خود از انقلاب پشتیبانی می‌کنند بفرمان انقلاب است . مگر طرد نیروهای انقلابی از جنبه انقلاب به زمان انقلاب نیست ؟ این سیاست موازنه منفی نسبت به احزاب ، به نظر می‌رسد ، به وسیله فشار شانتاژ نیروهای ضدانقلابی و نیز فشار نیروهای قشری انحصارگر بر نیروهای " خط امامی " در حاکمیت تحصیل شده است که حاصل آن ، کفاره گناه ضدانقلابیون را بر گردن انقلابیون " دگراندیش " نهادن است که بدیهی است نه آن را می‌توان عادلانه دانست و نه به سود انقلاب .

در هر حال ما انتظار داریم همانطور که حجت‌الاسلام رفسنجانی مجدداً تأیید و اعلام کردند ، قانون اساسی در مورد احزاب طرفدار و پشتیبان انقلاب قطع نظر از جهان‌بینی و مسلک و مذهب و اعتقادات آنها ، هرچه زودتر به موقع اجراء گذارده شود ، تمام امکانات قانونی برای فعالیت آزاد حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به آنها باز پس داده شود که این خود یک گام جدی عملی در تحقق این سخن انقلابی رئیس جمهور خواهد بود که :

" همه صف‌بندی‌ها در جامعه باید به صف‌بندی انقلاب و ضدانقلاب تبدیل

شود و ما هر صف‌بندی دیگری را مردود می‌دانیم "

حکم آیت الله منتظری - بک سیلی به بزرگ مالکان

آیت الله منتظری در هفته گذشته (۸ شهریور) حکمی بنام دستور امام صادر کردند . در این حکم به حجت الاسلام فاضل فریدی مأموریت داده شد نسبت به تقسیم " اراضی صادره شده و اراضی موات قابل گشت " بین " کشاورزان و اجداد صلاحیت " و طبق " ضوابط شرعی " اقدام کند . چون که " لایحه اراضی موات قابل گشت و زمینهایی که طبق موازین شرعی صادره شده ، هنوز به تصویب نهایی مجلس شورای اسلامی نرسیده و از طرفی نمی توان تا هنگام تصویب نهایی قانون فوق ، به گونه اراضی را گسترها " دولت می تواند به هر کس مصلحت دهد ، واگذار نماید ، معطل گذاشت . " حکم چنانکه مشاهده می کنید ، مربوط به زمینهای صادره شده ، از طاعتیان فراری ، از معدومین ، از فاضلین اراضی و نیز مربوط به زمینهای موات قابل گشت است . یعنی مربوط است به بند الف (اراضی موات) و بند " ب " از طرح واگذاری اراضی و شامل بندهای " ج " (اراضی با بر) و " د " (اراضی دایره بزرگ مالکان نمی شود . معذالک اهمیت حکم ، به نظر می رسد ، در چهارچوب اقدام به تقسیم اراضی صادره شده و تشخیص و تقسیم اراضی موات قابل گشت ، محدود نباشد . می دانیم که اصلاحات ارضی و تقسیم اراضی بزرگ می به دهقانان رجعتگی که یکی از اهداف بزرگ انقلاب است ، و در نتیجه مقومت سرسختانه مالکان بزرگ و کارشکنی های نمایندگان آنها در حاکمیت ، موقتا " متوقف شد . ولی این " موقتا " تا امروز

ادامه یافته و طرح اصلاحات ارضی که پس از کشمکش‌ها برای اصلاح به
کمیسیون ویژه سپرده شد، هنوز از این کمیسیون جان بدر نبرده است.
توقف اصلاحات ارضی عمدتاً مربوط به بندهای "ج" و "د" طرح بود،
یعنی مربوط بود به اراضی سایر و دایر بزرگ مالکان، ولی با توقف اجرای این
بندها، عملاً کار تقسیم اراضی موات و معادله شده یعنی بندهای "الف" و
"ب" نیز عمدتاً متوقف شد و در نتیجه، گستاخی بزرگ مالکان بجای رسید
که حتی در پارهای موارد، زمین را که به دهقانان واگذار کرده بودند، از
آنان پس گرفتند.

بدینسان تقسیم اراضی بزرگ مالکان به روستاییان زمستکش و غارت شده،
حتی در مورد اراضی معادله شده و موات، عملاً متوقف شد ولی مبارزه بر
سر زمین هم در "پائین" و هم در "بالا" ادامه یافت و ادامه دارد.
حکم آیت‌الله منتظری سدی که بزرگ مالکان و نمایندگان آنها در برابر
اجرای بندهای الف و ب قانون کشیدمانند، می‌شکند. براین بنا که نمی‌توان
تا هنگام تصویب نهایی قانون (که در "محاق" افتاده) ایستگنه اراضی را
که شرعاً دولت می‌تواند به هرکس مصلحت دید واگذار نماید، معطل گذاشت
و با شکستن این سد فشار جدیدی به نیروهایی که قانون اصلاحات ارضی
را در "محاق" امکندمانند وارد خواهد شد. اهمیت حکم آیت‌الله منتظری،
بدینسان به نظر ما، در همین فشار جدید است که به مخالفان تقسیم اراضی
مرومی هشدار می‌دهد، که تحمل انقلاب در برابر راستگرایان و بزرگ مالکان
و نمایندگان آنها در حاکمیت، حد و حدودی دارد و انقلاب نمی‌تواند بیش
از این تحمل کند که قانون اصلاحات ارضی در "محاق" باشد و ما چنان
دیج شرعی شود که محتوا و اهداف اولیه خود را گم کند.

به گزارش خبرگزاری‌های امپریالیستی آمریکا تصمیم دارد برای نشان دادن دوستی خود (با عربستان سعودی و دیگر رژیمهای برتجع عرب) در ماه آینده مانورهای نظامی دریایی و هوایی خود را در دهانه خلیج فارس و اطراف کشور عمان برگزار کند . راديو بي.بي.سي. طی تبصیری در این باره گفت است : اکنون دولت آمریکا احساس می‌کند که حضور نیروهای مسلحش در خلیج فارس ، دولت عربستان سعودی را هم آسوده خاطر خواهد نمود و به دولتهای کشورهای جنوب خلیج فارس نشان خواهد داد که دولت آمریکا از خطر ایران برای آنها آگاه است . . . آمریکا خود را مجبور می‌بیند (!) که به کشورهای عرب منطقه نشان دهد که اگر از طرف ایران مورد حمله قرار گیرند آمریکا هم‌پیمان قابل‌اعتمادی برای آنها خواهد بود ! اگر این "حبر" را به زبان آدیزاد ترجمه کنم ، معنایش اینست که "خطری جدی از سوی آمریکا ایران را تهدید می‌کند و آمریکا حضور سیاسی خود را علیه ایران ، در منطقه خلیج گسترش می‌دهد . چندی پیش "رایس برگر" وزیر دفاع آمریکا در مساحه با شبکه تلویزیونی بی.بی.سی. این گفت : "وجود هواپیماهای آواکس در عربستان به امنیت آمریکا (۱) کمک بسیار می‌کند . زیرا عربستان سعودی قادر خواهد بود صدها کیلومتر دورتر در منطقه را زیر نظر بگیرد و ما را از وجود خطر باخبر سازد . " روشن است که عربستان سعودی و آمریکا نیاری ندارند که اعماق خاک اردن یا اسرائیل یا پاکستان با عراقی را نجسس کند . وظیفه "واکنش‌های عربستان قبل از همه و اساساً" نجسس اعماق کشور ما و گزارش وضعیت نیروهای ما به آمریکا - اسرائیل و رژیم عراق است . همینطور باید گفت که هدف تطبیح فزاینده "عربستان اساساً" تحت فشار قراردادن انقلاب ایران است . "عقروای همکاری‌های خلیج فارس" نیز که بدستور آمریکا ایجاد شده است بخشی از نقشه‌های وسیع آمریکا برای ضربه زدن به انقلاب ماست . اکنون رژیم عربستان سعودی در آنسوی خلیج ، مثل رژیم پاکستان در اینسو به زاندارم امپریالیسم آمریکا و به پایگاه توطئه امپریالیستها علیه ایران (قبل از همه) و دیگر کشورهای مترقی منطقه بدل شده‌اند .

وزارت کار . در ادامه سیاست کارگرسنیزی و ناراضی تراشی ، در این هفته نیز ، به سامعهای خود ساحت و مخالف اصل ۲۶ قانون اساسی : طی اطلاعهای فعالیت هیئتی مدیره ۹ سندیکای کارگری دیگر در تهران و شهرری را غیرقانونی اعلام کرد . بدین بکانه اخیر فعالیت هیئت مدیره ۱۷ سندیکای کارگری توسط وزارت کار ، غیرقانونی اعلام شده است و طی همین مدت از تشکیل دهها شورای کارگری به سهانه اینکه هیئت قانونی آنها سیری شده است ، جلوگیری بعمل آمد . در همین فاصله کوتاه ، پاره‌ای از انجمن‌های اسلامی کارخانجات که به انجمن صداقتی محسنو عناصر مقدسیاب مخالف خط امام مربوطند با کمک محافل کارگرسنیز وزارت کار ، در فعالیت چند شورای کارگری کارگشکی کردند و با دسبجهایی علیه فعالین این شوراها ، عملاً این شوراها را در آستانه انحلال قرار دادند .

ناراضی تراشی و کارگرسنیزی وزارت کار در میان کارگران تنها به این محدود نمی‌شود که از طریق غیرقانونی اعلام کردن فعالیت هیئت‌های مدیره سندیکاهای کارگری با سهانه پایان یافتن هیئت قانونی و تشکیل شوراهای کارگری ، مانع از حضور متشکل کارگران در صحنه ، برای دفاع از انقلاب گردد . این خط با ترغندهای دیگری نیز در تلاش است که در میان کارگران تخم باسی و بدبینی و نفاق بپراکند . از جمله در اهواز مانع عقد قرارداد جمعی کارگران با کارفرما شده و کارگران را مجبور و موظف به بستن قراردادهای فردی ساختند . تتاهام این خط به حقوق و تشکلهای کارگران ، اکنون به دیگر اشکال تشکلهای صنفی کارگران نیز تیری داده شده است . علاوه بر شوراها و سندیکاهای کارگری ، تعاونی‌های کارگری نیز در خطر تتاهام خط کارگرسنیز وزارت کار قرار دارند . اظهارات آقای رنگرز سرپرست اداره امور تعاونی‌های وزارت کار در مورد شرایط تشکیل تعاونی‌ها نمایشگر این تتاهام است . مطابق اظهارات آقای رنگرز از آنجا که تعاونی‌ها باید زیر نظارت شوراها و در ارتباط با آنها تشکیل شوند ، بنابراین تشکیل تعاونی کارگری بحر در کارخانه‌هایی که شوراهایشان مورد تائید وزارت کار است ، تأخیر به تعویق می‌افتد . بدین ترتیب با حراست تعاونی‌های کارگری نیز در صفاق قرار می‌گیرد . بر صبنای همین سیاست ، آقای مهدی صبن فر هاون وزارت کار ، طی بخشنامه‌ای " اتحادیه تعاونی‌های مصرف کارگری اسطهان را که با ۵۶ تعاونی ، ۱۲۵ هزار کارگر را تحت پوشش دارد ، منحل اعلام می‌کند ، این اتحادیه که عملاً نقش عمده (امکان) اتحادیه تعاونی‌های مصرف کارگران ایران) را در منطقه ایفا می‌کرد مورد حمایت و پشتیبانی کارگران عضو بود .

برای آنکه عمق اینگونه اقدامات وزارت کار درک شود و معلوم گردد که تا چه پایه ، خطی که چنین ناراضی می‌تراشد ، همان خط طرفداری از سرمایه‌داری است باید خاطرنشان سازیم که از سوی وزارت بازرگانی (یکی دیگر از کانون‌های خط طرفداری از سرمایه‌داری) اخیراً بخشنامه‌ای صادر شده صنی بر اینکه اتحادیه امکان ، باید کالاهای ضروری و مورد نیاز را نه از دولت ، بلکه از اتحادیه‌های صنفی در واقع از شرکت سهامی تجار بزرگ بازار - تهیه کند . همه این اقدامات ، هدفی جز نابودی تعاونی‌های کارگری ندارد و تازه آنچه که برای تعاونی‌های کارگری تدارک می‌بینند ، جزئی از نقشه‌ایست که برای نابودی نهضت تعاونی ، در سراسر کشور از سوی این محافل در حال اجراست . تتاهام خط کارگرسنیز وزارت کار ، خط طرفداری از سرمایه‌داری ، علیه حقوق و تشکلهای کارگری هرروز دامنه گسترده‌تری می‌یابد ، و پیدا است که تتاهام گسترده‌تر این خط ، در چهارچوب نقشه همه‌جانبه‌ایست که برای سرخ‌انقلاب در حال اجراست .

یکی از مهمترین عناصر این توطئه ، گسترش ناراضی در میان نوده‌های محروم مردم ، جدا کردن آنان از خط امام ، مایوسی کردن آنها از انقلاب ، و بازداشتن آنان از حضور متشکل در صحنه است . کارگران به این نقشه آگاهی دارند و آماده‌اند که آنرا خشتی سازند . نمونه چنین آگاهی و آمادگی را می‌توان در نامه کارگران چرمسازای خسروی تبریز ، به کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی مشاهده کرد . کارگران در این نامه می‌نویسند :

" واقعیت اینست که (اینگونه) بی‌توجهی‌ها و برخورد‌های غیرمسئولانه و قانون شکنانه و در یک کلام ترویج سیاست ظاهر با اهداف و موازین جمهوری اسلامی دانسته یا ندانسته ، آگاهانه یا ناآگاهانه ، عمد یا سهو ، نتایجش به قول امام گبهردان ایجاد نزول در بین کارگران و در نهایت جدا کردن کارگران از روحانیت خط امام است و می‌افزایند " لازم است بیکار دیگر ضمن تجدید بهمان با رهبر عزیزمان خمینی بزرگ متعهد شویم برغم میل همه دشمنان و بدخواهان ، تا آخرین نفس در سنگر کارخانه با افزایش تولید و حمایت بیدریغ از دولت جمهوری اسلامی ایران و روحانیت خط امام

وظیفه خود را نسبت به انقلاب اداء خواهند کرد (جمهوری اسلامی ۱۰/۶/۵۱)

رفقا، در توضیح روبرویی خطها در زمینه حقوق کارگران و در افشای خط کارگر
سنیر و مدافع سرمایه‌داری وزارت کار، می‌بایست همراه با مسئولان مبارز خط
امامی به کارگران، ضرورت دفاع از تشکلهای کارگری (شوراهای - سندیکاها -
تعاونیها) را بطور همه‌جانبه توضیح دهند. باید اهمیت دفاع آگاهانه عمالین
شوراهای و سندیکاهای کارگری را از حقوق و تشکلهای مستقل کارگری، که در
احوال نامعنا و طومارهای متعدد به مقامات و ارگانهای مسئول جمهوری اسلامی
تحلی می‌باید، برای توده کارگران غیرعضو تشریح نمود و لزوم همبستگی کارگری
را برای آنها توضیح داد. باید برای توده کارگران صورانه توضیح داد که چرا
برای دفاع از انقلاب و خط مردمی امام خمینی باید متحدان از موجودیت
مستقل تشکلهای کارگری به دفاع برخیزند.

رفقا موظفند که به کارگران توضیح دهند که یکی از هدفهای دشمنان خط امام
برانگیختن کارگران و رو در رو قرار دادن آنان با جمهوری اسلامی ایران است
باید توطئه وادار کردن کارگران به اقدامات عمسی که خط امام را تضعیف
می‌کند و آب به آسیاب دشمنان انقلاب می‌ریزد فاش ساختن کارگران را از
واکنشهای عمسی برحذر داشت، و به آنها توضیح داد که دست بازیدن به
اقداماتی ظایر مصالح انقلاب خواست خط کارگرسنیر بزرگ سرمایه‌داری است که
نمایندگان آن در وزارت کارند.

یکم سپتامبر (دهم شهریور) روز آغاز جنگ جهانی دوم که " روز جهانی صلح " اعلام شده است امسال در سراسر جهان با تظاهرات و اجتماعات عظیم ضد جنگ پیروز شد . ۲۲ سال پیش ، در یکم سپتامبر سال ۱۹۳۹ ، ارتش فاشیستهای آلمان با تهاجم به لهستان جنگی را به جهانیان تحصیل کرد که وسایل طولانیجا میدو بیش از ۵۰ میلیون تن قربانی گرفت و بخش عظیمی از دستاوردهای مادی و معنوی مردم جهان را نابود ساخت . اتحاد شوروی که هدف اصلی تهاجم فاشیستهای ددمنش بود در این جنگ ۲۰ میلیون گفته داد و یک سوم تمام ثروتهای ملی آن از میان رفت . ملل جهان ، به ویژه ملل اروپا در نتیجه این سیهاترین تبهکاری سراسر تاریخ بشر ، میلیونها تن از فرزندان خود را از دست دادند و بخش عظیمی از حاصل تلاشهایشان نابود شد .

یکم سپتامبر امسال در اتحاد شوروی که بهترین مصائب را در جنگ متحمل شد و در همه کشورهای سوسیالیستی ، در تک تک کشورهای سرمایه داری در امریکا که دولت آن بر فراز هیروشیما و ناگازاکی بمبائی منفجر کرد ، در ژاپن که امپریالیستهای حاکم بر آن دودمانوش فاشیستهای آلمان، جهان را به آتش کشیدند و مردم آن قربانی تبهکاری امپریالیسم امریکا شدند و در آلمان که فاشیستهای کثیف و انسانستیز از آنجا جهان را به آتش کشیدند مردم بهاخاستند و با تظاهرات و اجتماعات عظیم ضد جنگ ، خشم و نفرت خود را

نسبت به جنگ افروزان ابراز داشتند و مردم خود را برای نبرد هر چه گستردهتر به خاطر حفظ و تحکیم صلح جهانی اعلام کردند . مردم جهان طی تظاهرات و اجتماعات عظیم ، امپریالیسم جهانی و در رأس آن امپریالیسم امریکا را به خاطر مقاصد برتری جویانه و جنگ افروزانه و به خاطر ماجراجوییهای که بفریبت را در معرض تهدید جنگ گرما هستی قرار می دهد شتدیدا محکوم کردند . در بسیاری از تظاهرات و اجتماعات ضد جنگ خواسته شد که بیدرتک امریکا و دیگر کشورهای دارای سلاح هسته ای مانند اتحاد شوروی متعهد شوند که هرگز در کاربرد سلاح هسته ای پیش دستی نخواهند کرد . در تظاهرات و اجتماعات بسیاری امتناع امریکا از پذیرش چنین تعهدی به عنوان نمونه بازو مقاصد هجوم و " جنگ افروزانه امپریالیسم صرطنی و با نفرت تمام محکوم گردید . رحمتکشان جهان با آگاهی فزاینده نسبت به مقاصد امپریالیسم و ملل و انگیزه های جنگ افروزی های آن ، سازده طبقاتی خود را علیه نظام سرمایه داری و امپریالیسم بطور فزاینده ای با جنبش بالنده صلح پیوند می دهند . سازده در راه صلح به عنوان وسیع ترین عرصه نبرد علیه امپریالیسم بیش از پیش با صفوف رحمتکشان تقویت می شود تصمیم " دهمین کنفره جهانی اتحادیه ها " که روز یکم سپتامبر را " روز فعالیت اتحادیه ها به خاطر دفاع از صلح " اعلام نمود جلوه ای از همین امر است .

در حالیکه کشورهای سوسیالیستی ، طبقه کارگر ، رحمتکشان و همه مردم ترقیخواه کشورهای سرمایه داری و همه کشورها و نیروهای ضد امپریالیست جهان روز یکم سپتامبر ، خروش صلح خواهی را طنین انداز کردند ؛ امپریالیستها بصرگردگی امریکا درست در همین روز ، یعنی در سالروز آغاز جنگ جهانی دوم " مانورهای پایشی " بهمان ناطو را آغاز کردند و برای اینکه از رسوایی شان چیزی کاسته نشود ؛ این مانورها را درست از همان جایی آغاز کردند که جنگ جهانی دوم آغاز شد ، یعنی از آلمان فدرال . در این مانور که با نام رمزی " دژ کارابین ۸۲ " در منطقه " رینبرگ " واقع در مرکز آلمان فدرال آغاز شده است نیروهای ارتش امریکا ، آلمان فدرال ، کانادا ، دانمارک ، هلند ، بلژیک ، انگلیس و لوکزامبورگ شرکت دارند و هدف آن به قول ستاد فرماندهی ناطو " افزایش سرعت بکارگیری این نیروها در اروپا " اعلام شده است ؛

بنا ایمن همسایه
 قدرت آن . امپریالیسم دیوانهای را می ماند که بر سر شاخ بین می نبرد اما
 بهار همین دیوانگی های امپریالیسم اکنون وظیفه مقدم و اساسی همه مردم جهان
 است . در شرایط کنونی هیچ وظیفه ای برتر و مقدم تر از مبارزه در راه حفظ و
 تحکیم صلح جهانی نیست . اکنون مبارزه در راه صلح مبارزهای است در راه
 حفظ بشریت و حفظ دستاوردهای مادی و معنوی چندین هزارساله آن . این
 خطرترین وظیفه ای است که بر عهده مردم جهان قرار دارد و مردم جهان
 مصمم اند که اراده خود را به امپریالیست های جنگ امروز تحمیل کنند و این
 مبارزه مقدس را به پیروزی کامل برسانند .

در بزرگداشت خاطره شگوهمند ۱۷ شهریور ، اطلاعاتی از سوی
 سازمان انتشار یافت ، در این اطلاعیه آمده است :

بنا به دعوت ستاد هماهنگی تبلیغات اسلامی

با تسرکت در

راهپیمایی ۱۷ شهریور

صفوف خود را تحت رهبری اسام غمینی فشرده تر سازیم .

مردم فلسطین تا پیروزی نهایی علیه امریکا و رژیم صهیونیستی می‌روند

رونالد ریگان در یک سخنرانی به تاریخ دهم شهریور ماه به اصطلاح خود "پیشنادهای تازه‌ای برای حل مسأله فلسطین" داده است. اما این "راه حل" با نیرنگ جدید، بیکار دیگر و بیش از هر چیز عقودشخصی امپریالیسم امریکا را با حل عادلانه مسأله فلسطین که تنها با تأمین حقوق مردم فلسطین برای تعیین آزادانه سرنوشت و ایجاد یک کشور مستقل فلسطینی میسر است آشکار می‌سازد. نخست باید بگوئیم این "پیشنادهای تازه" دولت امریکا، که همان هدف‌های کهنه طرح "کمپ دیوید" را دنبال می‌کند هنگامی ارائه می‌شود که تجاوز امریکایی - صهیونیستی به لبنان در اساسی با شکست روبرو شده و امریکایی‌ها مجبور گشته است برای درآمدن از بن‌بست و جلوگیری از رسوایی و انزوای بیشتر به نیرنگ "طرفداری از راه حل سیاسی" بیش از پیش تکیه کند. در واقع از همان زمان که طلبه شکست نقشه تجاوز پیدا شد دولت ریگان تشخیص داد که باید به "طرفداری از مذاکره و راه‌حل سیاسی" تظاهر کند و بکوشد تا شاید از طریق تظاهر به "میانجیگری" گشایشی در کار گرم‌خورده خود و شریک جنایتکارش پیدا بیاورد. از نظر امریکا و رژیم صهیونیستی آغاز تجاوز به لبنان به عنوان نقطه پایانی بر راه‌حل‌های سیاسی بود. در نقشه تجاوز، حل مسأله فلسطین از طریق نابودی کامل سازمان آزادیبخش فلسطین و الحاق سرزمین‌های فلسطینیان به اسرائیل پیش‌بینی شده بود. مطابق این نقشه همه مسائل به سود امریکا و اسرائیل از طریق "اعمال زور" و "از موضع قدرت" می‌بایست حل می‌شدند. سرکردگان امپریالیسم امریکا و رژیم صهیونیستی چنان به این نقشه خود مطمئن بودند که چندان آگاهی از توضیح هدف‌ها و جوانب مختلف آن نداشتند. شارون وزیر جنگ اسرائیل تنها اندکی بیش از آغاز تهاجم آشکارا

گفت: " همکاری نظامی و استراتژیک آمریکا و اسرائیل به معنای آن است که آمریکا نقش شریک و طرفدار نظریه‌های را ایفا می‌کند که هدف آن توسعه نفوذ اسرائیل از پاکستان تا آفریقای مرکزی است

وی همچنین گفت: " حتی اگر سواحل قریبی رود اردن تا ابد در اختیار اسرائیل باشد همی اراضی برای اسرائیل همچنان گنجانده نخواهد گرد" او وقتی نیروهای تجاوزگر در بی‌چنین خیالاتی به لبنان حمله کردند نمانده آمریکا در سازمان ملل متحد اعلام کرد: " آمریکا با هرگونه تصمیمی از جانب سازمان ملل متحد که جنبه تشبیه اسرائیل را داشته باشد مخالفت خواهد کرد" در همین زمان ریگان اعلام کرد که آمریکا به همه پیمانهای خود با اسرائیل وفادار است و هیچ محدودیتی برای صدور اسلحه به اسرائیل قائل نخواهد شد. بنا براین در نقشه تجاوز کمتر می‌توانست چیزی به نام " طرفداری از راحل صلح‌آمیز" ا پیشرویی شود. تنها در بی شکست تجاوز بود که آمریکا و رژیم صهیونیستی مجبور شدند به مذاکره تن بدهند و از " راحل سیاسی" دم بزنند بایرداری قهرمانانه مردم فلسطین و رزمندگان سوری و پشتیبانی قاطع جنبه جهانی ضدامپریالیستی به ویژه اتحاد شوروی، تجاوزگران را به بن‌بست کشاند و آنها مجبور شدند برای رهایی از آن به نبردهایی همچون جنگ زرگری ریگان و بگین و " طرفداری از راحل سیاسی" اتوسل جویند. شارون که اندکی پیش از آغاز تهاجم آنگونه پیشروانه نقشه تجاوزگران آمریکا و اسرائیل را تشریح می‌کرد اکنون در نتیجه بایرداری قهرمانانه مردم فلسطین و لبنان و نیروهای سوری ناچار می‌شود بگوید: " ما از فلسطینی‌ها دعوت می‌کنیم که در مذاکره با اسرائیل به منظور همزیستی مسالمت‌آمیز (!) شرکت کنند" اگرچه این گفته‌ها سراسر نیرنگ است، اما تنها مشت گره‌کرده مردم فلسطین می‌توانست چنین کلماتی را از حلقوم امثال شارون بیرون بکشد.

نکته دیگر این است که آمریکا و رژیم صهیونیستی به موازات توسل به اینگونه نیرنگها بازهم با شتاب بیشتری مشغول اصلاح و تکمیل نقشه تجاوز و تدارک قوا برای اجرای آن هستند. نیروهای نظامی آمریکا در سواحل لبنان همچنان نفوذ می‌شوند. هشتصد تفنگدار آمریکایی در بیروت مستقر شده‌اند. نیروهای

اشغالگر صهیونیست در لبنان با سلاح آمریکایی و مزدوران صهیونیست با شتاب جدید قوا می‌کنند هم‌اکنون بخش زیادی از واحدهای تانک و توپخانه اسرائیل مقابل نیروهای سوری پایدار صلح در دره بقاع موضع گرفته‌اند و اخبار حاکی از آن است که نیروهای تجاوزگر نقشه پیشروی به سوی حاور و شمال لبنان را می‌پروانند. این شواهد نشان می‌دهند که آمریکا و رژیم صهیونیستی مرحله جدید تجاوز علیه مردم فلسطین و لبنان و سوری را تدارک می‌بینند. بنا براین پیشنهادهای جدید ریگان روی دیگر سکه است که بر آن نقشه تجاوز نظامی و توسل به زور ترسیم شده است. ریگان در این " پیشنهادها" از " خودمختاری برای ساکنان فلسطینی ساحل قریبی رود اردن و نوار غزه با همکاری اردن" و " گزینش یک دستگاه اداری در سرزمین‌های اشغالی به منظور تضمین اداره امور فلسطینی‌ها" سخن گفت. وی عدم " ایجاد اختلال در ضروریات امنیتی اسرائیل" را در یک ماده از پیشنهادهای خود شرط انتقال " دستگاه اداری

محلین از اسرائیل به ساکنان فلسطینی کرانه قریبی نوار غزه" قرار داده است! ریگان در توضیح محتوای این پیشنهادها گفت: " ایالات متحده آمریکا از تأسیس یک دولت مستقل فلسطینی در ساحل قریبی رود اردن و نوار غزه حمایت نخواهد کرد" بدینگونه ریگان پیشنهاد می‌کند که مردم فلسطین از آرمان خود، از خلق تعیین سرنوشت آزادانه و داشتن صیون مستقل دست بشویند و با رعایت " ضروریات امنیتی اسرائیل" یعنی با پیوستن به جرگه دوستان آمریکا و رژیم صهیونیستی، خودمختاری زیر پر و بال آمریکا و اسرائیل و امثال ملک‌حسین را بپذیرند. امپریالیسم آمریکا به هنگامی پیشنهاد تسلیم جنبش رهاقیبخش مردم فلسطین را ارائه می‌دهد که خلق فلسطین بیش از هر زمان مصمم است در راه آرمان‌های خود، در راه صیون، آزادی، استقلال و بهروزی مبارزه کند و به آرمان‌های خود بازهم نزدیک‌تر شده است. این " پیشنهادها" زمانی ارائه می‌شود که همه کشورهای و نیروهای ضدامپریالیست جهان مرم پرشکوه خود را برای پشتیبانی از مردم فلسطین تا بهروزی نهایی در سخت‌ترین شرایط به اثبات رسانده‌اند. البته آمریکا و رژیم صهیونیستی می‌توانند برای دفاع از چنین طرح‌ها و " پیشنهادهایی" روی متحدین و دوستان خود در منطقه حساب کنند، اما خلق فلسطین با نبردهای خونبار و قهرمانانه خود اثبات کرده است که نه آمریکا و رژیم صهیونیستی، و نه هیچک از متحدان و دوستان‌شان نمی‌توانند برای وی تضمین سرنوشت کنند. مردم فلسطین خود سرنوشت خویش را تعیین می‌کنند.

در هفته اخیر « کمیسیون مشترک آمریکا و پاکستان » برای بررسی و گسترش روابط آتی دارودسته ضیاءالحق با دولت ریگان اجلاسی دو روزهای در دانشگاه قائد اعظم اسلام آباد برگزار کرد. آنچه‌آنکه از اظهارات آقایان همی وزیر امور خارجه رژیم ضیاءالحق برمی آید مسأله مورد بحث در این کنفرانس چگونگی ایجاد شرایط مناسب برای گسترش همکاری‌های دولت پاکستان و دولت ریگان در زمینه تقویت بنیه نظامی پاکستان بوده است. همچنین بررسی چگونگی تشدید عملیات ضدانقلابی علیه کشورهای شرقی منطقه، بویژه علیه مردم افغانستان از موضوعات عمده در این «کنفرانس» بوده است. دارودسته ضدانقلابی حاکم بر پاکستان به موازات بسط همکاری با امپریالیسم آمریکا، بیش از پیش از باری و حمایت رهبران مرتجع چین برخوردار می‌شوند. اخیراً «پاکستان و چین جاده استراتژیک» فرمولوم را که ملیرغم اعتراضات رسمی دولت هند در بخشی از ایالت چامور کشنیز - منطقه اشغال شده توسط پاکستان - احداث گردیده، مورد بهره‌برداری قرار داده‌اند. چین از طریق این جاده قصد دارد که عمدتاً محصولات نظامی به پاکستان بفرستد.

پاکستان که توسط آمریکا و چین بطور شتابان مسلح و مجهز می‌شود اکنون بطور فزاینده‌ای کشورهای شرقی منطقه یعنی هندوستان و افغانستان و ایران را تهدید می‌کند. ضیاءالحق که یکی از سرسپرده‌ترین عمال آمریکاست چندی پیش اعلام کرد «بهتر است که مردم گرسنه باشند اما کشور (!) از تکنولوژی هسته‌ای برخوردار شود» زنگال پاکستانی حتی از این فراتر، اعلام کرد «پاکستان بطور قطع به تکنولوژی لازم برای ساختمان بمب‌انهدی دست یافته است» همه این ماجراجویی‌های رژیم پاکستان آشکار می‌سازند که آمریکا با تجهیز کردن پاکستان نقشه‌های بسیار خطرناکی در چنته دارد و در این زمینه رهبران برتری‌جویی چین نیز با آمریکا و پاکستان همکاری همه‌جانبه دارند.

(۱۸)

دیدار هیات نمایندگانه شوروی از سوریه :

یک هیات پارلمانی به ریاست «ایوان گالین» معاون صدر هیات رئیسه شوروی عالی اتحاد شوروی به مدت پنج روز از سوریه دیدن کرد. در جریان دیدار این هیات با حافظ اسد رئیس جمهور سوریه، اوضاع لبنان و مسأله خاورمیانه مورد بحث و گفتگو قرار گرفت. هیات نمایندگی اتحاد شوروی در دیدار با حافظ اسد باردیگر ضمن اعلام حمایت و پشتیبانی کشور متبوع خود از سازشات عادلانه مردم فلسطین و کلیه نیروهای انقلابی و مترقی که به دفاع از سرزمین خود در برابر تجاوزگران صهیونیست به مبارزه برخاسته‌اند، خواستار خروج فوری و بدون قید و شرط نیروهای صهیونیست و امپریالیست از خاک لبنان شدند. حافظ اسد نیز ضمن ستایش از موضع اتحاد شوروی و تأکید مجدد بر ضرورت تداوم و تحکیم دوستی و همکاری دو کشور، اتحاد شوروی را «دوست بزرگ سوریه» خواند. در پایان دیدار هیات نمایندگی اتحاد شوروی از سوریه بیانیه مشترکی منتشر شد که تر آن آمده است :

دو کشور شوروی و سوریه در مورد انگیزه تهاجم مشترک آمریکا و اسرائیل به لبنان توافق نظر کامل دارند و معتقدند گفتار دستمجمعی مردم لبنان و فلسطین با حمایت کامل و افشکن صورت گرفته است (کمیجان ۷ شهریور) دوستی و همکاری اتحاد شوروی و سوریه، که همچنان گسترش می‌یابد، بعنوان نوعی برادر از دوستی و همکاری برابر-حقوق دو کشور ضد امپریالیست ارائه می‌شود.